

آسیب‌شناسی خط مشی گذاری مالیاتی در جمهوری اسلامی ایران: مطالعه نظام مالیات بر ارزش افزوده

علی شیخ حسنی^۱

ابوالحسن فقیهی^۲

کرم اله دانش فرد^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۸/۱۱، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۲/۲۴

چکیده

مالیات بر ارزش افزوده از زمان اجرای قانون آن در ایران به عنوان مسأله‌ای چالش برانگیز، موضوع بحث و تبادل نظر افراد و گروه‌های اجتماعی مختلف بوده که این امر نشان دهنده حساسیت زیاد مقوله مالیات بر ارزش افزوده و از سوی دیگر بیانگر وجود مسائل حل نشده در مسیر شکل‌گیری و اجرای خط‌مشی‌های عمومی در این حوزه می‌باشد. همچنین به نظر می‌رسد عواملی مانند تصویب برخی مقررات و مخالفت‌های آشکار و نهان گروه‌ها و افراد ذی نفع و ذی نفوذ موجب شده تا سازمان امور مالیاتی کشور به عنوان متولی وصول مالیات، در انجام بخشی از وظایف خود با مشکل مواجه شود. هدف این پژوهش شناسایی آسیب‌ها و چالش‌های پیش‌رو در نظام مالیات بر ارزش افزوده است. در این مطالعه کیفی از مصاحبه‌های نیمه ساختار یافته و عمیق با تعداد چهارده نفر از صاحب نظران و کارشناسان مالیاتی کشور و همچنین اسناد و مدارک و گزارشات در دسترس، استفاده شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد در فرآیند شکل‌گیری خط‌مشی‌های مالیات بر ارزش افزوده عواملی چون ایده خط‌مشی‌گذاران، شیوه قرار گرفتن مسأله در دستور کار و کیفیت تصمیمات مالیاتی که متأثر از بستر سیاسی، اقتصادی، اداری و اجتماعی کشور است، در مرحله اجرا منجر به شکست در اهداف قانونگذار، کاهش اعتماد مردم به نظام مالیاتی و آسیب به فرآیند مالیات ستانی می‌شود. به منظور کاهش معضلات یاد شده، ایجاد مراکز تخصصی جهت ایده‌پردازی در زمینه مسائل و تصمیمات مالیاتی و تعبیه مکانیزم‌هایی که از مداخله افراد و نهادهای غیر متخصص در فرآیند خط‌مشی گذاری مالیاتی جلوگیری به عمل آورد، پیشنهاد شده‌است.

واژه‌های کلیدی: خط‌مشی گذاری مالیاتی، کانون‌های ایده‌پردازی، مالیات بر ارزش افزوده

۱. دانشجوی دکتری گروه مدیریت دولتی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. a.sheikhassani@chmail.ir
۲. استاد گروه مدیریت دولتی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)، faghihiabolhassan@gmail.com
۳. استاد گروه مدیریت دولتی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. daneshfard@srbiau.ac.ir

۱- مقدمه

مالیات ستانی ۱ موضوعی اساسی در علوم سیاسی و اقتصادی است. طراحی و اجرای خط مشی‌های مالیاتی هسته اقتصاد سیاسی را تشکیل می‌دهد و خط مشی‌گذاران ۲ سعی می‌کنند با طراحی نظام مالیاتی مناسب و ارائه پیشنهادات برای اصلاح آن، حداکثر مشارکت جامعه را به دست بیاورند (پروفتا و اسکا بروستی، ۲۰۱۰: ۱). از طرفی خط‌مشی مالیاتی ۳ در زمره اصلی‌ترین خط‌مشی‌های ۴ توزیع مجدد و بخشی از خط‌مشی‌های کلی اقتصادی دولت‌ها بوده (استینمو، ۱۹۹۳) و ماحصل سیاست ۵، درک جامع از ملزومات آن و شناخت واضحی از محیط سیاسی است که خط‌مشی مالیاتی در آن ایجاد می‌شود (هالکمب، ۱۹۹۸). بنابراین کاملاً موضوعی سیاسی است (کراس، لويس و دوگلاس، ۲۰۱۳) و از طریق مقامات سیاسی شکل می‌گیرد (فریدمن، ۲۰۱۵).

در دهه‌های پایانی قرن بیستم میلادی، نظام‌های مالیاتی سراسر جهان با گرایش به سمت مالیات بر ارزش افزوده شاهد تغییرات قابل ملاحظه‌ای بوده‌اند. شروع این نهضت از پذیرش سیستم مالیات بر ارزش افزوده توسط فرانسه در سال ۱۹۵۴ میلادی آغاز شده و سپس در دیگر کشورهای اروپایی رایج شد و در نهایت جایگزین کلیه مالیات‌هایی که از فروش اخذ می‌شوند، گردید. امروزه بسیاری از کشورهای در حال توسعه نیز به جمع کشورهای مالیاتی که نظام مالیات بر ارزش افزوده را اجرا می‌کنند، گرویده‌اند. (شنک، ۱۹۹۹).

در طی دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ میلادی نیز برقراری نظام مالیات بر ارزش افزوده به عنوان یکی از عوامل اصلی افزایش قابل ملاحظه نسبت مالیات به تولید ناخالص داخلی در برخی از کشورهای در حال توسعه شناخته شده است. یکی از دلایل چنین اتفاقی این است که مکانیزم مالیات بر ارزش افزوده معمولاً به نحو مطلوب‌تری اجرا شده و از مسیر اجرایی تعریف شده‌اش، کمتر منحرف می‌شود. به همین دلیل در پایان دهه ۱۹۸۰ میلادی مدل استاندارد جدیدی در مباحث مالیات ستانی ظهور پیدا کرد که در آن نه مالیات بر درآمد، بلکه مالیات بر ارزش افزوده به عنوان پایه اصلی درآمدی از سوی بانک جهانی معرفی و تعریف شد (برد، ۲۰۱۴).

در ایران نیز متعاقب اجرای قانون مالیات بر ارزش افزوده و استقرار نظام مالیات بر ارزش افزوده از نیمه دوم سال ۱۳۸۷ شمسی، مجادلات و مباحثات جدی در این زمینه بوجود آمده است. از طرفی

1. Taxation
2. Policy Makers
3. Tax Policy
4. Policies
5. Politics

نظر به بندهای (۹) و (۱۷) سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی ابلاغی از سوی رهبر معظم انقلاب اسلامی که بر اصلاح و تقویت همه جانبه نظام مالی کشور با هدف پاسخگویی به نیازهای اقتصاد ملی، ایجاد ثبات در اقتصاد ملی و پیشگامی در تقویت بخش واقعی و اصلاح نظام درآمدی دولت با افزایش سهم درآمدهای مالیاتی تأکید دارد، لیکن عواملی مانند تصویب برخی مقررات بازدارنده اجرای قانون مالیات بر ارزش افزوده، مخالفت‌های آشکار و نهان گروه‌ها و افراد ذی‌نفع و ذی‌نفع، تأخیر در تصویب قانون جدید (بعد از پایان مهلت اجرای قانون آزمایشی فعلی) و... موجب خواهد شد که سازمان امور مالیاتی کشور به عنوان تنها متولی وصول مالیات (و احتمالاً تنها پاسخگوی نتایج اجرای خط‌مشی‌های وضع شده) در انجام وظایف خود با مشکل مواجه شود.

با این پیش فرض که مالیات‌ها هزینه شهروندی اعضای جامعه است که باید توسط آنان پرداخت شود و خط‌مشی‌گذاران باید لایحه‌ها و پیشنهادهای مربوط به انواع مالیات‌ها را در مجلس تصویب کنند، بحث اساسی پژوهش حاضر آن است که در شرایط کنونی، خط‌مشی‌گذاری مالیاتی در حوزه مالیات بر ارزش افزوده به‌طور دقیق با چه آسیب‌هایی مواجه است؟ و برای حل مسائل پیش روی خط‌مشی‌گذاری مالیاتی مطلوب، چه اصلاحات یا اقداماتی مورد نیاز است؟ سؤالاتی از این دست وجود دارد که بدون پاسخ مانده‌اند.

۲- پیشینه پژوهش

مرور دانش موجود درباره موضوع مورد پژوهش، اولین گام اساسی در فرآیند پژوهش است (نیومن، ۱۳۹۳: ۲۲۲). کرسول (۲۰۱۴: ۶۶) اعتقاد دارد بدون بررسی ایده‌های دیگران و متغیرهای انتقادی در خصوص یک موضوع پیچیده، تحقیق بر روی آن بسیار دشوار خواهد بود هر چند غیر ممکن نیست. با وجود اهمیت خط‌مشی‌گذاری مالیاتی، در ارتباط با مسائل مالیاتی و ارزیابی و انتخاب راه حل‌ها، شکاف قابل توجهی در تحقیقات انجام شده تاکنون در کشورهای غربی توسعه یافته مشاهده می‌شود و غالباً هر کدام از محققان مطرح، خط‌مشی‌گذاری مالیاتی را از جنبه یا جنبه‌هایی خاص مورد ملاحظه قرار داده‌اند. از طرفی برخی از پژوهشگران، خط‌مشی‌های مالیاتی را به طور ضمنی در تشریح مدل‌های شکل‌گیری خط‌مشی‌گذاری عمومی^۱ بیان نموده و برخی نیز خط‌مشی مالیاتی یک کشور را به شکل مستقل یا چند کشور را به شکل تطبیقی بررسی کرده‌اند.

ردفورد (۱۹۶۹: ۸۴-۸۳) عقیده دارد که خط‌مشی‌های مالیاتی یک روی عمومی^۲ و آشکار دارند که در آن سیاستمداران و جامعه به‌طور کلی در خصوص خط‌مشی‌ها مذاکره و مباحثه می‌کنند و

1. Public Policy
2. Macro Political

همچنین دارای یک روی پنهان اند که در آن افراد، شرکت‌ها و تشکل‌ها در فرآیند خط مشی‌گذاری به دنبال نفع شخصی خود می‌باشند.

سوان استینمو (۱۹۸۹) در زمینه خط مشی مالیاتی برخی کشورها تحقیقات متعدد و مفصلی انجام داده است. او با مقایسه سه کشور ایالات متحده، سوئد و بریتانیا نقش نهادهای سیاسی را در شکل‌گیری خط مشی‌های مالیاتی آن کشورها بررسی کرد. وی تلاش کرد نشان دهد که چگونه نهادها به شکل‌گیری خط مشی‌ها در عرصه خاص و مهمی از حیات سیاسی کمک می‌کنند. به عقیده او نهادهای سیاسی همانگونه که در اجرای خروجی فرآیند خط مشی‌ها نقش دارند در شکل‌گیری آن هم نقش با اهمیتی ایفا می‌کنند و نشان داد که ساختارهای متفاوت نهادهای سیاسی گوناگون موجب می‌شود که منافع متضادی با یکدیگر پیدا کنند. او نتوانست اهمیت منافع گروهی و ارزش‌های سیاسی (یا عقاید سیاسی) را در خط مشی‌گذاری مالیاتی رد کند. برعکس تحلیل‌های وی نشان داد هم منافع گروهی و هم عقاید شخصی در خط مشی‌گذاری مالیاتی دخالت دارند لیکن نمی‌توان بستر ۲ و زمینه‌هایی را که افراد در آن دست به چنین انتخاب‌هایی می‌زنند نادیده گرفت. از سوی دیگر بدون درک بسترهایی که از طریق آن ارزش‌های سیاسی به خط مشی‌های ویژه‌ای تبدیل می‌شوند، هیچ کسی نمی‌تواند منظور اصلی چنین اتفاقات و خط مشی‌هایی را درک کند و امیدوار باشد که بتواند عواقب آن خط مشی‌ها را پیش‌بینی کند.

از آن جایی که در بررسی و تحلیل خط مشی‌های مالیاتی، مفاهیم وسیعی در خصوص تصمیم‌گیری‌های فردی و دولتی وجود دارد استینمو پیشنهاد می‌کند که اگر چه ساختار نهادها به عنوان متغیر مداخله‌گر، تقاضاها و خواسته‌ها را فیلتر کرده و به این ترتیب به شکل‌گیری خط مشی‌ها کمک می‌کنند، لیکن باید در این مورد تحلیل‌های بیشتری صورت گیرد. او عنوان کرد که در عین حال باید بین نتایج تحقیقش و آن چه درباره انسان عقلایی می‌دانیم نیز ارتباط برقرار کرد. او در ادامه بر شناخت محیطی که تصمیمات در آن اتخاذ می‌شود و تأثیر آن‌ها تأکید کرده است. مور (۲۰۰۷) به این نتیجه رسید که برای رهایی از کمک‌های خارجی و وابستگی به سایر کشورها، برقراری نظام مالیات بر ارزش افزوده ابزار بسیار خوبی در کشورهای در حال توسعه است که منجر به افزایش صحیح درآمد دولت می‌شود. البته برای آن که مالیات بر ارزش افزوده به‌طور مؤثر به افزایش کیفیت حکمرانی کمک کند، نیازمند اصلاحات و تغییرات زیادی در سایر خط مشی‌های عمومی دولت است. او اشاره می‌کند که افزایش ارتباطات بین‌المللی و مستمر مدیران مالیاتی و مأموران

1. Micro Political
2. Context

مالیاتی حرفه‌ای، بازسازی و سازماندهی مجدد مدیریت مالیاتی و ادارات مالیاتی و کاربر پسند کردن امور به نحوی که حداقل مؤدیان بزرگ مالیاتی با آن احساس راحتی کنند از ملزومات نظام مالیات بر ارزش افزوده می‌باشد.

گاماچ و شانسکه (۲۰۱۱: ۳۳-۱۹) اعتقاد دارند که تاثیرات خط‌مشی مالیاتی در دو گروه و سطح طبقه‌بندی می‌شوند. یکی «اهمیت اقتصادی» ۲ که نشان‌دهنده تأثیر مالیات در تصمیمات اقتصادی است و دیگری «اهمیت سیاسی» ۳ که اشاره به تأثیر مالیات‌ها در سیاست و روند انتخابات کشور دارد. آن‌ها تأکید می‌کنند که این دو طبقه باید از همدیگر کاملاً تمیز داده شوند چرا که افزایش اهمیت سیاسی مالیات می‌تواند منجر به کاهش اهمیت اقتصادی و برعکس برجسته شدن جنبه اقتصادی سیاست‌های مالیاتی منجر به کاهش اهمیت سیاسی آن خواهد شد. ولی آنان متذکر می‌شوند که چنین موضوعی در جهان واقعی هرگز توسط شواهد تجربی پشتیبانی نشده است. بنابراین مطالعه مالیات و پیچیدگی‌های آن باید از ابعاد و جنبه‌های مختلف انجام شود چرا که با بررسی آن از منظر رشته‌های مختلف علوم است که معلوم می‌شود چطور رفتار مالیات‌دهندگان با آن چه در نظریه‌های نئوکلاسیک‌ها مطرح می‌شود، مغایرت دارد.

باکر و همکارانش ۴ (۲۰۱۴) با استفاده از رویکرد «داده بزرگ» ۵ درباره سیاست‌های مالیاتی ایالات متحده در حوزه مالیات‌های غیر مستقیم تحقیق مفصلی انجام دادند. آنان با ایجاد پایگاه داده‌های بزرگی از رفتارهای انواع بازیگران و خط‌مشی‌های بالقوه، مالیات‌های غیر مستقیم را از این جهت که سطح وسیعی از مؤدیان را در بر می‌گیرد و کمتر قابل دخل و تصرف است برای حل معضلات عمده سیاست‌گذاری مالیاتی بهینه از قبیل: عدم تجانس، مشکلات سیاست‌گذاری غیر رسمی و همچنین عدم اطمینان بالقوه به اهداف خط‌مشی، پیشنهاد کردند.

کناور (۲۰۱۴) در تحقیق خود به این نتیجه رسید که نظام مالیاتی باید به‌طور مداوم ویژگی‌های شخصیتی، اختلافات موجود بین مالیات‌دهندگان و وجود بی‌عدالتی مالیاتی را در نظر داشته باشد. علاوه بر این نظام مالیاتی باید تشخیص دهد که شکست و نادیده گرفتن چنین ملاحظاتی می‌تواند منجر به پیامدهای ناگوار شود. به زعم وی سیاست مالیاتی خنثی ۷ گاهی می‌تواند نابرابری و بی

1. User-friendly
2. Economic Salienc
3. Political Salienc
4. Baker et al
5. Big Data Approach
6. Heterogeneity
7. Neutral Tax Policy

عدالتی را تقویت و چند برابر کند. بنابراین از دیدگاه آسیب شناسانه موارد زیر را باید در خط مشی گذاری مالیاتی در نظر گرفت: (۱) لزوم پایان دادن به افسانه بی طرفی و خنثی بودن نسبت به مالیات دهندگان؛^۱ (۲) ضرورت در نظر گرفتن ویژگی های هویتی و شخصیتی مربوط و تشخیص اینکه طبقات مختلف (از نظر دارا بودن ویژگی جمعیت شناختی) الزاماً در طول زمان تغییر و تحول پیدا می کنند و (۳) اهمیت در نظر گرفتن جنبه های عملی و روندها در مدیریت آسیب شناسی و اینکه در کجای فرآیند خط مشی گذاری باید قرار بگیرند.

طی مطالعه ای درباره اقدامات انجام شده برای اصلاحات مالیاتی در نوزده ایالت ایالات متحده، مشخص شد که هنگام بررسی قوانین مالیاتی در کمیسیون های مختلف، به پیشنهاداتی که در راستای اصول مالیات ها^۲ ارائه می شود (شامل عدالت، سهولت، شفافیت و به صرفه بودن) کمتر اعتنا می گردد مگر آن که پیشنهاد شامل کاهش مالیات باشد (بورداویوکس، ۲۰۱۰: ۱۲-۷). به عبارت دیگر مقامات دولتی و گروه های ذینفع از طریق ایجاد نمادها و تصوراتی که پشتیبانی از ملت را تداعی می کند، دیدگاه عموم مردم را نسبت به مالیات ستانی شکل می دهند و حمایت آن ها را کسب می کنند (شفرین، ۲۰۱۳: ۱۴۲-۱۶۰).

اگرچه برخی از محققان مانند مارون (۲۰۱۱) به اصلاحات مالیاتی در قالب تغییر قوانین فعلی مالیاتی و افزایش پایه مالیات و با حداقل معافیت های مالیاتی عقیده دارند، لیکن هتیچ و وینر (۱۹۹۹: ۲۲۴-۲۱۵) بر ساختارهای مالیاتی بر «مبنای سیاست عقلانی»^۳ که در راستای جلب حمایت از گروه های ذی نفوذ و در نتیجه به حداقل رساندن مخالفت با قوانین مالیاتی موجود است، تأکید می کنند. بنابراین از دیدگاه آنان در فرآیند خط مشی گذاری مالیاتی، تلاش برای اثبات نقاط ضعف قوانین مالیاتی فعلی تلاشی بیهوده است بلکه باید به نحوی عمل کرد که مخالفت ها با سیاست های مالیاتی تا آن جا که ممکن است کاهش یابد و در واقع خط مشی مالیاتی از دیدگاه آنان در نقطه تعادل بین عوامل اقتصادی، سیاسی و اداری شکل می گیرد. هالکامب (۱۹۹۸) نیز ضمن بررسی سیاست های مالیاتی از دیدگاه انتخاب عمومی استدلال می کند که از طریق برقراری قوانین غیر قابل انعطاف و تغییر ناپذیر در سیستم مالیاتی می توان هزینه های سیاسی مرتبط با مالیات ستانی را به حداقل رساند.

در معرفی فرآیند خط مشی گذاری مالیاتی، منبع قوانین و مقررات مالیاتی، ایده هایی دانسته شده که از سوی منابع مختلف داخل دولت یا خارج از آن ارائه می شود و با سایر عوامل ارتباط تعاملی

1. Taxpayer Neutrality
2. Tax Principles
3. Politically Rational

تنگاتنگی دارند (سولومون، ۲۰۱۴، هال، ۱۹۸۹، گلداشتاین، ۱۹۹۳ و استینمو، ۲۰۰۳). به همین علت اقدامات مالیاتی شامل مجموعه‌ای از تصمیم‌گیری‌های پیچیده با ملاحظات سیاسی، اقتصادی، اداری و اخلاقی بوده (پیترز، ۲۰۰۶) و عوامل و عناصری مانند عوامل اجتماعی، مذهبی و حتی دموگرافیک و ساختار جمعیت نقش مهمی را در این ارتباط ایفا می‌کنند (سیوکویست، والاس و وینترز، ۲۰۰۷: ۱۶-۱۵؛ کناور، ۲۰۱۴). از طرفی در اغلب مطالعاتی که تاکنون در خصوص اصلاحات مالیاتی انجام شده است این نتیجه مشترک وجود دارد که ملاحظات کوتاه مدت سیاسی نه تنها مانعی در برابر تغییر خط‌مشی‌های مالیاتی، بلکه مانع تلاش‌ها برای بهبود مدیریت مالیاتی آن کشور بوده است (برد، ۲۰۱۵).

۳- روش پژوهش

پژوهش حاضر با استفاده از رویکرد کیفی انجام می‌شود. هرچند تحقیق کیفی اغلب با کلمات نوشتاری و گفتاری و تحلیل‌هایی با پایان باز شناخته شده و پیچیده است (کرسول، ۲۰۱۴: ۶۶)، لیکن دارای ویژگی‌های متمایزی به شرح زیر است:

- تحقیق کیفی بر مبنای موقعیت فلسفی که حداقل بخشی از آن تفسیری است بنا شده که منعکس‌کننده ملاحظات پژوهشگر درباره نحوه انجام مطالعه فرآیند، تفسیر، درک و تجربه توسط مشارکت‌کنندگان است؛
- تحقیق کیفی بر مبنای روش تولید داده‌هایی که هم منعطف و هم حساس به بستر اجتماعی که داده‌ها در آن تولید شده‌اند، می‌باشد؛

- تحقیق کیفی مبتنی بر تحلیل، تبیین و اقناع بوده و بر درک پیچیدگی، جزئیات و بستر جهت به تصویر کشیدن فرآیند یا پدیده کلی بنا شده است (ماسون، ۲۰۰۲: ۳-۴).

پژوهشگرهای کمی، متغیرها را مفهوم‌سازی کرده و مفاهیم را به عنوان بخشی از فرآیند سنجش متغیرها اصلاح می‌کنند. در مقابل، پژوهشگرهای کیفی مفاهیمی جدید ساخته یا مفاهیم برآمده از داده‌ها را اصلاح می‌کنند. در پژوهش کیفی شکل‌گیری مفهوم بخش جدایی‌ناپذیر تحلیل داده است و در طول گردآوری داده‌ها آغاز می‌شود (نیومن، ۱۳۹۴: ۴۴۶). در این پژوهش برخی از داده‌ها مفاهیمی خواهد بود که از طریق بررسی اسناد و مدارک به دست می‌آید و برخی به صورت کلمات، مفاهیم و جملات در مصاحبه‌ها می‌باشند. یک پژوهشگر کیفی داده‌ها را با سازمان دانشان در قالب طبقات و بر اساس مضامین، مفاهیم یا ویژگی‌های مشابه تحلیل می‌کند. او مفاهیم جدیدی وضع کرده، تعاریف مفهومی را تدوین نموده و روابط میان مفاهیم را بررسی می‌کند و در نهایت مفاهیم را بر حسب توالی و به صورت مجموعه‌ای متضاد به هم پیوند می‌دهد یا طبقات مشابهی ایجاد می‌کند یا با گزاره‌های نظری می‌آمیزد. در پژوهش کیفی، ایده‌ها و شواهد وابستگی

متقابلی به هم دارند. با استفاده از کدگذاری، پژوهشگر داده‌های خام را در قالب طبقات مفهومی سازمان داده و مضامین یا مفاهیم را خلق می‌کند (نیومن، ۱۳۹۴: ۴۴۷). پژوهشگرهای کیفی اغلب از ایده، مضامین، یا مفاهیم کلی به عنوان ابزاری برای تعمیم‌دهی استفاده می‌کنند.

مصاحبه‌ها تا آن جا ادامه پیدا کرد که داده‌ها به حد اشباع رسید یا به‌طور مرتب تکرار می‌شد. در این مسیر با چهارده نفر متشکل از کارشناسان و خبرگان مالیاتی مصاحبه نیمه ساختار یافته و عمیق به عمل آمد. پاسخ‌دهندگان ضمن تشریح تاریخچه شکل‌گیری نظام مالیات بر ارزش افزوده، چالش‌ها و مشکلات موجود را اغلب به شکل موشکافانه بیان کردند که داده‌های متنوع و مفصلی را تشکیل داد.

۴- مفهوم‌سازی برای شناخت آسیب‌ها و مسائل خط مشی‌گذاری مالیاتی
استراوس و کوربین (۱۹۹۸: ۵۰) اعتقاد دارند که از طریق کدگذاری داده‌ها می‌توان برای کشف مقوله‌ها، مشخصه‌ها و ابعاد داده‌ها استفاده کرد. در این بخش از پژوهش بر اساس کدگذاری تلاش می‌شود چالش‌ها و آسیب‌های خط مشی‌گذاری مالیاتی در ایران تشریح و تبیین شود.

کدگذاری باز اولین مرحله کدگذاری داده‌های کیفی است که در آن پژوهشگر داده‌ها را بررسی می‌کند تا آن‌ها را به شکل طبقات یا کدهای تحلیلی اولیه خلاصه کند (نیومن: ۴۵۰). کدگذاری باز، بخشی از تحلیل است که با شناسایی، نام‌گذاری، مقوله‌سازی و توصیف پدیده‌هایی که در متن یافت می‌شود، همراه است. در ابتدا بعد از گردآوری داده‌های کیفی، کدهای مورد تأکید مصاحبه‌شوندگان که دارای نشانه مشترک بودند بر اساس تکنیک کدگذاری باز، طبقه‌بندی شده و مفاهیم مربوط استخراج گردید. مفاهیم به دست آمده بر اساس ابعاد و ویژگی‌هایشان بسط داده شد و سپس با تحلیل مفاهیم به دست آمده مجموعه داده‌های کیفی به چند مقوله نسبت داده شد.

۴-۱- عوامل علی آسیب در شکل‌گیری خط مشی مالیات بر ارزش افزوده
عوامل یا شرایط علی مقوله‌هایی هستند که پدیده اصلی را تحت تأثیر قرار می‌دهند. این عوامل موجب شکل‌گیری پدیده یا طبقه محوری می‌شوند و شامل مجموعه‌ای از طبقه‌ها به همراه ویژگی غالب‌شان است. آسیب‌های شکل‌گیری خط مشی‌گذاری مالیات بر ارزش افزوده دارای سه مقوله ایده خط مشی‌گذاران، دستور کار خط مشی، فرآیند قانونی شدن (یا الزامی شدن اجرا) و نظارت بر شکل‌گیری می‌باشد که در جدول شماره (۱) آورده شده است.

۴-۱-۱- ایده‌های خط مشی‌گذاران

حال (۱۹۸۹: ۹۰) معتقد است که خط مشی‌گذاران صرفاً هنگامی خط مشی جدیدی اتخاذ می‌کنند که آن خط مشی‌ها در آن زمان اقتضا می‌کند. چنانچه ایده‌ای که قرار است از سوی خط مشی‌گذاران در

دستور کار قرار بگیرد دارای مشکل باشد، کل فرآیند خط‌مشی‌گذاری را ممکن است تحت تأثیر قرار داده و در نهایت موجب شکل‌گیری خط‌مشی ناکارآمد گردد.

نبود تجربه، تخصص و دانش کافی

هر نوع تصمیم‌گیری مالیاتی نیازمند تجربه، تخصص و دانش کافی در حوزه مربوط می‌باشد. در مصاحبه‌ای عنوان شد: ... برخی مشکلات پیش روی نظام مالیات بر ارزش افزوده دخالت افرادی است که از تخصص و دانش کافی در این ارتباط برخوردار نبوده‌اند و بدون توانایی پیش‌بینی عواقب تصمیمات و با پافشاری در طرح ایده خود موجب خسارت‌هایی شده‌اند.

بخشی‌نگری

بسیاری از مصاحبه‌شوندگان اعتقاد داشتند که برخی تصمیمات مالیاتی صرفاً ناشی از ایده‌هایی بوده که بر تأمین منافع بخشی خاص از فعالان اقتصادی تأکید دارند.

به عنوان مثال گفته شد: چه دلیلی وجود دارد که بخشی از اقتصاد معاف از پرداخت مالیات باشد در حالی که می‌دانیم برقراری معافیت در مواردی به ضرر مؤدی و اجرای درست مالیات بر ارزش افزوده است؟ یا عنوان شد: ... به نظر اغلب اشخاصی که خارج از سیستم مالیاتی کشور در مورد قوانین مالیاتی تصمیم‌گیری می‌کنند به منافع سازمان یا نهادی که به آن تعلق دارند یا منافع رأی‌دهندگان حوزه انتخابیه خود توجه دارند. شاید بتوان گفت دیدگاه کلان و مفید بیشتر در بین مدیران مالیاتی دیده می‌شود.

افق زمانی کوتاه مدت

بهتر است فعلاً به هر شکل ممکن از این مسأله عبور کنیم! عبارت‌هایی از این دست در مصاحبه‌ها بیان شده و به معنای آن بوده است که خط‌مشی‌گذاران در مواردی به‌طور جدی به اجرای دقیق فرآیند مالیات بر ارزش افزوده اعتقاد نداشته‌اند. این دیدگاه بیشتر موجب اخذ تصمیماتی مقطعی برای عبور از اعتراضات یا فشار گروه‌های ذی‌نفع شده است.

ارائه ایده‌های بدون پشتوانه قانونی

تصمیمات مالیات وجود دارد که صرفاً برای راضی نگه داشتن گروه‌ها و مؤدیان و در حالی که فاقد پشتوانه لازم قانونی بوده است، اخذ شده‌اند.

در مصاحبه‌ای گفته شد: ... تفاهم با تعاونی‌های مصرف در سال ۱۳۸۹ در حالی اتخاذ شد هیچ‌گونه مجوز قانونی وجود نداشت و صرفاً به دلیل جلب نظر آنان برای اجرای قانون به آن‌ها مهلت داده شد که در صورت تسلیم اظهارنامه از ابتدای اجرای نظام مالیات بر ارزش افزوده، پرونده آن‌ها بر اساس خود اظهاری رسیدگی شود.

توصیه‌های سازمان‌های خارجی و الگوبرداری از سایر کشورها

به عقیده تعدادی از مصاحبه‌شوندگان ایده اصلی برقراری نظام مالیات بر ارزش افزوده در ایران از طریق بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول وارد شده است و بررسی سوابق و مدارک نیز ادعای آنان را تأیید می‌کند.^۱ آنان اعتقاد داشتند سوگیری نسبت به مقررات مالیات بر ارزش افزوده اجرا شده در سایر کشورها به دلایلی از جمله فاصله شرایط اقتصادی، اداری، سیاسی و اجتماعی ایران با شرایط کشورهای مورد نظر، موجب شکل‌گیری مقرراتی می‌شود که مشکلاتی را در عمل پدید آورده و یا برخی از آن‌ها تاکنون قابلیت اجرا پیدا نکرده‌اند.^۲

در این رابطه یکی از مصاحبه‌شوندگان گفت: ... علاوه بر توصیه‌های خارجی با اعزام هیأت‌هایی متشکل از برخی نمایندگان مجلس شورای اسلامی به چند کشور معدود که نظام مالیات بر ارزش افزوده را پیاده‌سازی کرده بودند و تشریح دستاوردهای آن کشورها در این زمینه، تلاش شده است تا نظر نمایندگان مجلس و سایر خط‌مشی‌گذاران برای موافقت با کلیات پیش‌نویس و تصویب قانون مالیات بر ارزش افزوده جلب شود.

۴-۱-۲- دستور کار خط مشی

خط‌مشی‌گذاران ایده‌های خود و یا ایده‌هایی که از سایر منابع دریافت کرده‌اند وارد دستور کار می‌کنند. در این مرحله حتی اگر ایده‌های مناسبی وارد دستور کار شوند به دلایل متعددی ممکن است نظام مالیاتی را با چالش مواجه کنند.

نداشتن الگوی مناسب برای تصمیم‌گیری

در مصاحبه عنوان شد: ... از آن جا که قانون مالیات بر ارزش افزوده برای اولین بار در ایران اجرا می‌شد اخذ تصمیم به خصوص در اوائل اجرا در این حوزه در فضایی انتزاعی شکل می‌گرفت. واقعاً تبعات اجرای قانون مشخص نبود. نمی‌دانستیم که در فضای خاص جامعه ایران پیامدهای پیشنهاد ارائه شده چیست.

تعامل نامناسب بین خط‌مشی‌گذاران

در مصاحبه عنوان شد: ... خط‌مشی‌گذاران حوزه مالیات بر ارزش افزوده از افراد عضو، نهادها و سازمان‌های متعددی تشکیل شده‌اند. مسائل حوزه مالیات بر ارزش افزوده از جمله موضوعاتی است که نیازمند تعامل و روابط مناسب بین خط‌مشی‌گذاران است و در صورت برقراری تعامل مناسب و بهره‌مندی از دیدگاه‌های یکدیگر شرایط برای اخذ تصمیماتی با اشکالات کمتر فراهم خواهد شد.

۱. گزارش هیأت اعزامی سازمان همکاری‌های فنی و اقتصادی آلمان (GTZ) از نشست مالیاتی آوریل ۲۰۰۵ تهران - ترجمه مریم حدادی - طرح مالیات بر ارزش افزوده.

۲. مانند استرداد مالیات و عوارض ارزش افزوده مسافری خارجی در مرزهای خروج کشور موضوع تبصره ماده ۱۳ قانون مالیات بر ارزش افزوده.

یا در موردی گفته شد: ... موضوع پر چالش ما در تنظیم بخشنامه‌ها و برخی قوانین این است که ذی‌نفعان با یکدیگر تعامل مناسب برقرار نمی‌کنند. قانون مالیات بر ارزش افزوده نیازمند اطلاعات به موقع و صحیح از کلیه مؤدیان است که این اطلاعات در سایه همکاری مؤثر سایر نهادها به دست می‌آید.

هدف‌گذاری مبهم

در مصاحبه عنوان شد: ... مثلاً معافیت فعالان اقتصادی مقیم در مناطق آزاد یکی از موارد بارزی است که نشان می‌دهد هدف یا اهداف خط‌مشی‌گذار مبهم بوده است. این گونه خط‌مشی‌ها حتی فعالان اقتصادی ذی‌نفع را نیز دچار سردرگمی کرده است ...

بهره‌نگرفتن از نظرات کارشناسی مخالف

در مصاحبه‌ای گفته شد: ... هر چند برخی تصمیمات مالیات‌دارای پشتوانه نظرات کارشناسی شده هستند لیکن در مواردی در نهایت همان متن یا پیشنویسی که منظور نظر طراحان اولیه خط‌مشی بوده است به تصویب رسیده و نظرات کارشناسی که مخالف تصویب آن بوده با بی‌اعتنایی مواجه شده‌اند که در اجرا مشکلاتی را پدید آورده‌اند.

استفاده ناکافی از نظرات مشاوران مستقل و متبحر

یکی از مفاهیم جالبی که از متن مصاحبه‌ها استخراج شد اذعان به لزوم واحدی برای بررسی و پایش دائم قوانین و تصمیمات مالیاتی بوده است.

به عنوان مثال در یکی از مصاحبه‌ها گفته شد: ... می‌بایست گروهی از کارشناسان متبحر و مستقل و متخصص در رشته‌های مختلف و از گرایش‌های مختلف، ایده‌ها و تصمیمات مالیاتی را مورد بررسی موشکافانه قرار دهند. در حالی که نتیجه ایده‌ها و تصمیمات عجولانه یا کارشناسی نشده که تعداد آن هم کم نیست منبع مشکلات نظام مالیاتی کشور است.

استفاده نکردن از نظرات مراجع و آیات عظام

جامعه ایران مسلمان و با اکثریت شیعه است که احترام خاصی برای مراجع عظام قائلند. جلب حمایت رهبران دینی ممکن است در اخذ تصمیمات مالیاتی مؤثر باشد. مصاحبه‌شوندگان اعتقاد داشتند که استفاده از رهنمودهای علما یا اصلاح ایده‌ها بر اساس نظرات ایشان، پذیرش و حمایت از خط‌مشی‌های مالیاتی را افزایش داده یا مشکلات ناشی از این بی‌توجهی را کاهش می‌دهد.

در مصاحبه‌ای گفته شد: ... هر قانونی به خصوص در حوزه‌های مالی آن هم به این وسعت برای اجرا در جامعه اسلامی مانند ایران نیازمند حمایت مراجع و علما است. اگر ایشان از ابتدا در جریان قانون قرار گرفته بودند و حمایت‌های لازم از سوی علما کسب می‌شد، متقاعد کردن گروه‌های مختلف اجتماعی در پذیرش آن راحت‌تر بود.

در مصاحبه دیگری گفته شد: ... هر چند وزارت امور اقتصادی در تاریخ ۱۳۸۹/۴/۷ در رابطه با نحوه اجرای قانون مالیات بر ارزش افزوده توسط آستان‌های مقدسه و واحدهای وابسته از دفتر مقام معظم رهبری استعلام به عمل می‌آورد و پاسخ آن دفتر لزوم اجرای قانون توسط تمام مؤسسات و نهادها بوده، ولی بهتر بود اگر اکثریت علما اجرای قانون از سوی همگان را به صراحت تصدیق می‌کردند ...

مداخله ملاحظات امنیت ملی

مسائل مربوط به امنیت ملی حائز اهمیت است اما دخالت مراجع امنیتی در تصمیمات مالیاتی اگر به شکل کارشناسی نشده و جهت رفع ضرورت‌های موقتی باشد، موجب اخلال در کارکرد مالیات ستانی می‌شود. در این رابطه یکی از مصاحبه‌شوندگان گفت: ... به عنوان مثال بخشنامه‌هایی که درباره ارزش حاصل از صادرات در سال‌های ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲ تحت توصیه‌های مراجع ذی صلاح صادر شد موجب شد تا رسیدگی به پرونده‌های صادرکنندگان و حتی امر صادرات تحت تأثیر قرار گرفته و مشکلاتی پدید آورد.

نقش مدیران حوزه مالیات‌های مستقیم در خط مشی‌گذاری

مصاحبه‌ها مشخص کرد که نگرش مدیرانی که سال‌ها در بخش مالیات‌های مستقیم تجربه کسب کرده‌اند با برخی نگرش‌های مدیرانی که از ابتدا در روند شکل‌گیری مالیات بر ارزش افزوده حضور داشته‌اند متفاوت بوده و بعد از آن که مدیران با تجربه مالیات‌های مستقیم در ایده‌پردازی و شکل‌گیری خط مشی‌های مالیات بر ارزش افزوده مشارکت کردند تصمیماتی مغایر با ساز و کار مالیات بر ارزش افزوده اتخاذ شد. گفته شد: ... حل مسائل فی مابین مؤدیان و سازمان امور مالیاتی در سال‌های ابتدایی از طریق امضای تفاهم‌نامه‌ها، از جمله مواردی بود که از روش‌های مالیات‌های مستقیم وارد نظام مالیات بر ارزش افزوده شد که با مکانیزم مالیات بر ارزش افزوده مغایرت دارد، خوشبختانه در سال‌های اخیر چنین مواردی کمتر شده است.

وجود ذی‌نفعان متفاوت و تأثیرگذار

قوانین مالیاتی به دلیل تحت تأثیر قراردادن حقوق بگیران، صاحبان املاک، صاحبان مشاغل، اشخاص حقوقی و وراث طیف وسیعی از ذی‌نفعان را در بر می‌گیرد لیکن معافیت‌هایی نیز برای بخش عمده‌ای از جامعه قائل شده است که بنا به برخی آمار تا حدود ۵۰٪ کل اقتصاد کشور مشمول معافیت قلمداد شده‌اند^۱. اما در نظام مالیات بر ارزش افزوده به دلیل ماهیت متفاوت آن (به خصوص در مراحل ابتدایی فراخوان‌ها) موجب شده است که فعالان اقتصادی قدرتمندی مشمول مالیات و عوارض ارزش افزوده شوند که بالتبع دارای منافع متفاوت و متناقضی هستند. این فعالان معمولاً از طریق وزراء، نهادها، تشکل‌ها و

۱. حمید پورمحمدی معاون سازمان برنامه و بودجه در اجلاس مدیران مالیاتی سراسر کشور-مهرماه سال ۱۳۹۶ به آدرس:

۴۰/۱۸۴۰۹۲۷/www.iribnews.ir/fa/news

اتحادیه‌ها بر دستور کار خط‌مشی‌های مالیات بر ارزش افزوده تأثیر می‌گذارند. در مصاحبه‌ای عنوان شد: «استرداد موقت به صادرکنندگان یا معافیت حمل و نقل عمومی تحت فشار ذی‌نفعان تصویب شده است. در مصاحبه دیگری گفته شد: «دریافت مالیات و عوارض صرفاً در حلقه آخر عرضه‌کنندگان آب و برق و نفت که ابتدا در قوانین بودجه سال‌های ۱۳۹۲ و ۱۳۹۳ وارد شد نه تنها غیر قانونی بلکه در عمل به سختی قابل اجراست.

۴-۱-۳- قانونی شدن

در مسیر شکل‌گیری خط‌مشی مالیات بر ارزش افزوده این که مجوز اجرای خط‌مشی از سوی چه نهادی صادر شده موضوع مهمی است. در واقع هرگونه تخطی از فرآیندهای قانونی شدن خط‌مشی مالیاتی در تقابل با اصل ۵۱ قانون اساسی است که به صراحت بیان کرده هیچ نوع مالیات وضع نمی‌شود مگر به موجب قانون. موارد معافیت و بخشودگی و تخفیف مالیاتی به موجب قانون مشخص می‌شود. از سوی دیگر ممکن است به دلایل متفاوتی دستور کار در مجراهای دیگری به جریان بیفتد یا در مسیر قانونی شدن متوقف شده و یا خط‌مشی از اولویت خارج شود.

تصویب خط‌مشی در خارج از مجلس شورای اسلامی

در اصل (۵۸) قانون اساسی آمده است: اعمال قوه مقننه از طریق مجلس شورای اسلامی است که از نمایندگان منتخب مردم تشکیل می‌شود و مصوبات آن پس از طی مراحل برای اجرا به قوه مجریه و قضائیه ابلاغ می‌گردد. بنابراین هرگونه تصمیم که متضمن تغییر نرخ یا معافیت مالیاتی باشد باید از طریق تصویب نمایندگان مجلس شورای اسلامی قانونی گردد لیکن در مواردی مشاهده می‌شود که تغییر نرخ یا پایه مالیات بر اساس مصوبات هیأت دولت، یا نظرات مشورتی معاون حقوقی رئیس‌جمهور یا مراجع ذی‌صلاح بوده است.

در مصاحبه‌ای گفته شد: «کمیسیون موضوع اصل ۱۳۸ قانون اساسی معافیت طرح‌های مسکن مهر از مالیات بر ارزش افزوده را تصویب نمودند. به این شرح که قراردادهای منعقد شده طرح مسکن مهر اعم از تفاهم‌نامه‌های سه‌جانبه، چهارجانبه (تعاونی‌های مسکن)، مسکن مهر ملکی و بافت فرسوده از مالیات بر ارزش افزوده به استثنای مالیات بر ارزش افزوده پرداختی بابت نهادهای ساخت (مواد، مصالح و سایر) معاف می‌باشند. این مصوبه مغایر قانون مالیات بر ارزش افزوده بوده و اعتراض سازمان امور مالیاتی مبنی بر غیرقانونی بودن این مصوبه راه به جایی نبرد.

در مصاحبه دیگری عنوان شد: «معافیت یارانه‌ها و آگهی‌های تجاری در جرایم با توصیه انجام شده است. در واقع اولی با نظر مشورتی معاونت حقوقی رئیس‌جمهور و دیگری توسط مدیر کل حوزه ریاست مجلس

شورای اسلامی وضع گردیده است.

یا گفته شد: در مواردی به دلیل قانونی نبودن، تصمیم سازمان امور مالیاتی می‌توانست این نظرات را ابلاغ و اجرا نکند اما به لحاظ فشارها و ملاحظات سیاسی مسئولان وقت ترجیح دادند که به منظور جلوگیری از تبعات پیش‌بینی نشده آتی، آن نظرات را به عنوان بخشنامه ابلاغ کنند...

طولانی شدن روند تصویب

برخی از تصمیمات مالیاتی در حوزه مالیات بر ارزش افزوده به دلیل طولانی شدن فرآیند تصویب کارکرد مؤثر خود را از دست می‌دهند. بنا به نظر برخی از مصاحبه‌شوندگان تصمیمات مالیاتی باید ضمن دقت در روند تصویب باید سرعت بیشتری به خرج داده شود. مثلاً از مطرح بودن قانون جدید مالیات بر ارزش افزوده به مدت سه سال در کمیسیون‌های مجلس به عنوان یک چالش نام برده‌اند.

در مصاحبه‌ای عنوان شد: ... متأسفانه در مواردی قانون مالیات بر ارزش افزوده نزد هیأت دولت یا نمایندگان مجلس از اهمیت کافی برخوردار نیست در حالی که نظام مالیاتی نیازمند تصمیم‌گیری به موقع است.

خارج شدن خط مشی از اولویت

در مصاحبه‌ای عنوان شد: شاهد بوده‌ایم که ضمن تأخیر در تصویب لوایح و پیشنهادات، ممکن است آن پیشنهاد یا پیشنویس کنار گذاشته شده یا از دستور کار خارج می‌شود. تمدید سالانه قانون مالیات بر ارزش افزوده حاصل همین بی‌توجهی‌هاست.

در مصاحبه دیگری عنوان شد: ... من به‌شخصه دلیل چنین تغییر اولیوی را تغییر دولت‌ها، تغییر طیف نمایندگان مجلس، افزایش یا کاهش درآمدهای نفتی و کاهش یا افزایش تحریم‌های بین‌المللی می‌دانم...

۴-۱-۴- نظارت بر شکل‌گیری خط مشی

از بین عوامل مسأله‌ساز در شکل‌گیری خط‌مشی‌های مالیاتی تعدادی از مصاحبه‌شوندگان بر نیاز به وجود مکانیزم‌های مؤثر ارزیابی و نظارت بر شکل‌گیری قوانین و مقررات مالیات بر ارزش افزوده توجه داشته‌اند. نبود مکانیزم مؤثر ارزیابی خط‌مشی، تأثیر گرایش سیاسی بر اظهار نظرها نسبت به خط‌مشی، نبود مقررات لازم برای نظارت بر شکل‌گیری خط‌مشی و وجود ناظران بدون تخصص لازم از جمله مواردی بود که در این ارتباط بیش از سایر عوامل تکرار شده است.

نبود یا ضعف مکانیزم مؤثر ارزیابی خط‌مشی

در مصاحبه‌ای عنوان شد: ... اگر اشخاص یا سازمان‌های واجد شرایطی به خوبی بر فرآیند تصمیم‌گیری نظارت داشته باشند می‌توان امید داشت که آن تصمیم‌گیری به شکل بهتری اتخاذ خواهد شد و یا اگر

مشکلاتی داشته باشد به سرعت جلوی آن گرفته می‌شود... در مصاحبه دیگری عنوان شد... هر چند هنگام تصمیم‌گیری دلایل کافی برای آن تصمیم عنوان می‌شود اما وجود یک سیستم نظارتی متخصص و مستقل می‌تواند تبعات آن تصمیم را از جنبه‌های دیگر به سرعت کشف کند.

تأثیر گرایش سیاسی بر نظارت‌ها

در این ارتباط عنوان شد... و البته به شرطی ناظران می‌توانند مؤثر باشند که گرایش‌های سیاسی در نظارت و مداخله آنان تاثیر نداشته باشد چرا که بازهم منجر به اتخاذ تصمیماتی به نفع گروه خاصی شده و تبعات جدیدی به دنبال خواهد داشت...

فقدان یا ضعف مقررات لازم برای نظارت بر شکل‌گیری خط‌مشی

در مصاحبه‌ای گفته شد: ... به هر حال برای نظارت نهادهایی مانند سازمان بازرسی یا دیوان محاسبات یا هر نهاد دیگری در مرحله شکل‌گیری تصمیمات هیچ‌گونه قانون و مقرراتی نداریم و نظارت آنان بعد از اجرای تصمیمات شروع می‌شود که دیگر دیر است. شاید بسیاری از تخلفات را بتوان در مرحله شکل‌گیری شناسایی و از بروز تبعات گسترده‌آتی جلوگیری کرد.

لزوم تخصص ناظران

در مصاحبه‌ای گفته شد... هر چند اگر مکانیزم نظارت توسط سایر سازمان‌ها یا نهادها هم به وجود بیاید، این مشکل وجود دارد که ناظران باید در امر مالیاتی بسیار متخصص و با سابقه باشند که درحاضر صرفاً شامل افرادی می‌شوند که در امور مالیاتی دارای تجربه‌اند.

جدول (۱) - شرایط علی‌آسیب در شکل‌گیری خط‌مشی مالیات بر ارزش افزوده

مفهوم استخراج شده	مقوله
نبود تجربه، تخصص و دانش کافی	ایده خط‌مشی گذاران
ناشی از بخشی‌نگری	
افق زمانی کوتاه مدت	
جهت‌اخذ رضایت و تأیید ذی‌نفعان بدون وجود پشتوانه قانونی	
توصیه‌های سازمان‌های خارجی و الگو قرار دادن نظام مالیات بر ارزش افزوده در سایر کشورها	

نداشتن الگوی مناسب برای تصمیم‌گیری	دستور کار خط مشی
تعامل نامناسب و ناکافی بین خط مشی گذاران	
هدف گذاری مبهم	
بهره نگرفتن از نظرات کارشناسی مخالف	
استفاده ناکافی از نظرات مشاوران مستقل و متبخر	
بهره‌گیری ناکافی از نظرات مراجع و آیات عظام	
مداخله ملاحظات امنیت ملی	
الگوبرداری از خط مشی گذاری حوزه مالیات‌های مستقیم در خط مشی گذاری مالیات بر ارزش افزوده	
وجود ذی نفعان متفاوت و تأثیرگذار	قانونی شدن
خط مشی غیر مصوب در مجلس	
پذیرفتن نظر مشورتی نهادهای غیر مرتبط به عنوان خط مشی	
طولانی شدن روند تصویب	
خارج شدن خط مشی از اولویت	نظارت بر شکل‌گیری خط مشی
نبود یا ضعف مکانیزم مؤثر ارزیابی خط مشی	
تأثیر گرایش سیاسی بر نظارت‌ها	
نبود یا ضعف مقررات لازم برای نظارت بر شکل‌گیری خط مشی	
وجود ناظران بدون تخصص لازم	

منبع: یافته‌های تحقیق

۴-۲- محیط خط مشی گذاری مالیات بر ارزش افزوده

خط مشی گذاری مالیاتی مانند سایر خط مشی‌های عمومی تحت تأثیر شرایط محیط شکل‌گیری قرار دارند. شرایط خاصی که برکنش‌ها و تعاملات تأثیر می‌گذارند و شامل مجموعه‌ای از مفاهیم، مقوله‌ها یا متغیرهای زمینه‌ای‌اند. شرایط سیاسی، شرایط اجتماعی و فرهنگی، شرایط اقتصادی و نوع بوروکراسی حاکم بر کشور به عنوان زمینه خط مشی گذاری در حوزه مالیات بر ارزش افزوده ذکر شده‌اند.

۴-۲-۱- شرایط سیاسی

فضای سیاسی کشور در سال‌های شکل‌گیری نظام مالیات بر ارزش افزوده مهم بوده است. در این بین به عوامل مختلفی اشاره شده است که شامل پشتیبانی نکردن به موقع مقامات سیاسی در اتخاذ تصمیم، توجه انتخابی به موضوع مالیات بر ارزش افزوده، اهمیت کاهش نمود اعتراضات به قانون، تعارض‌های

سیاسی بین دولت‌های مختلف و تعارض بین گرایش‌های مختلف سیاسی می‌باشد.

پشتیبانی نکردن به موقع مقامات سیاسی در اخذ تصمیم

همانگونه که کینگدان (۲۰۱۴: ۸۷-۸۵) اشاره می‌کند شکل‌گیری هر نوع خط‌مشی عمومی نیازمند وجود حمایت سیاسی کافی است. او به این نتیجه رسید که تعادل بین مسائل، خط‌مشی‌ها و سیاست می‌تواند ایده‌ای را به صورت موضوعی جدی در دستورکار عمومی قرار دهد. کینگدان از این عوامل به عنوان "جریان‌های فرآیند" نام می‌برد. درباره فقدان اراده سیاسی لازم برای تصویب قانون مالیات بر ارزش افزوده یا مقرراتی که برای بهبود اجرای نظام مالیات بر ارزش افزوده لازم بوده است دلایل متفاوتی عنوان می‌شود.

در همین ارتباط در مصاحبه‌ای عنوان شد: ... برخی مقامات از ابتدا با اصل نظام مالیات بر ارزش افزوده، به دلایل گوناگون موافق نبودند.

در مصاحبه دیگری گفته شد: ... برخی از قانون‌گذاران برای جلب نظر رأی‌دهندگان حوزه انتخابیه خود به مخالفت با قانون می‌پردازند یا تصویب آن را به تأخیر می‌اندازند.

یا گفته شده است: ... بعضی مواقع خط‌مشی‌گذاران به دلیل آشنا نبودن با مبانی مالیات و مالیه عمومی و مفاهیم نوین اقتصادی، خود را نسبت به موضوع بی‌علاقه نشان می‌دهند.

یا عنوان شد: ... شاید اگر احزاب قوی و منسجم وجود داشت پشتیبانی بیشتری از نظام ارزش افزوده صورت می‌گرفت.

میزان توجه به موضوع مالیات بر ارزش افزوده

جو ناشی از بحث و بررسی پیرامون موضوع مالیات بر ارزش افزوده نیز جالب توجه بوده است. یعنی در مواقعی که افزایش درآمدهای مالیاتی به عنوان یک ضرورت مطرح می‌شود برخی خط‌مشی‌گذاران تلاش می‌کنند تا هر چه زودتر قوانین مربوط به تصویب برسد.

در مصاحبه‌ای عنوان شد: ... سال‌های ۱۳۸۹ و ۱۳۹۰ سال‌های مهمی در اقتصاد ایران بوده و سیاستمداران نسبت به نظام مالیات بر ارزش افزوده حساسیت بیشتری داشته‌اند. علاوه بر این، افزایش تعداد مؤدیان به دلیل فراخوان‌ها، افزایش حجم اعتراضات و برقراری قانون هدفمندی یارانه‌ها موجب شد که به دفعات، مراجع مختلف در خصوص نظام ارزش افزوده مداخله و تصمیم‌گیری کنند.

اهمیت کاهش اعتراضات

در مصاحبه‌ای عنوان شد: ... هر موقع صنف یا اتحادیه‌ای به دلیل اجرای قانون مالیات بر ارزش افزوده تهدید به اعتصاب کرده یا در عمل اعتصاب می‌کند، برای جلوگیری از آن اقدام، مقامات سیاسی به

فوریت دست به کار شده و مقررات دلخواه آنان را وضع می‌کنند. یا در این ارتباط گفته شد: ... کاهش اعتراض مودیان موضوع مهمی است و به این منظور بارها توافقاتی صورت گرفت که در اصل مغایر قانون بوده است.

تعارض بین دیدگاه‌های سیاسی دولت‌های مختلف

در مصاحبه‌ای عنوان شد: ... در اواخر عمر دولت نهم قانون مالیات بر ارزش افزوده تصویب شد و در سال بعد با انتخاب مجدد رئیس جمهور دولت نهم به عنوان رئیس دولت دهم تصمیمات مالیاتی متعددی در حوزه مالیات بر ارزش افزوده اتخاذ گردید. بعد از روی کار آمدن دولت یازدهم و عوض شدن گرایش سیاسی قوه مجریه یکی از تصمیمات مناسبی که در دولت قبل اتخاذ شده بود کان لم یکن یا باطل اعلام گردید و خط مشی جدیدی در همان ارتباط شکل گرفت. مانند تعیین تکلیف ارز صادرکنندگان موضوع بخشنامه ۲۰/۱۷۶۶۵/۲۰ مورخ ۱۳۹۲/۱۰/۹.

۴-۲-۲- شرایط فرهنگی و اجتماعی

تنظیم قوانین مالیاتی توجه به جنبه‌های اجتماعی بسیار مهم است. علاوه بر قومیت‌ها، ساختار جمعیت و دموگرافیک نیز به طرق مختلفی بر شکل‌گیری خط‌مشی‌های عمومی از جمله خط‌مشی‌های مالیاتی تأثیر می‌گذارند (کوئینتیری و روساتی، ۱۹۹۲: ۹۲-۶۹). در این میان فقدان اعتماد عمومی به نظام مالیاتی، عدم اعتقاد عمومی به پرداخت مالیات، نبود تمایل عمومی به شفافیت رویدادهای مالی، تعارض خط‌مشی مالیاتی با هنجارهای نهادینه شده جامعه، عدم همکاری برای اجرای صحیح، مقاومت نسبت به نظام مدرن مالیاتی، پایین بودن سطح عمومی توانایی استفاده از ابزارهای نوین و بافت اجتماعی به شدت متنوع کشور ایران بیشتر عنوان می‌شود. در بین قوانین مالیاتی، مالیات بر ارزش افزوده با تمام مصرف‌کنندگان کشور در ارتباط است بنابراین در تنظیم آن توجه به ویژگی‌های فرهنگی و جمعیت‌شناختی اهمیت دارد.

۴-۲-۳- شرایط اقتصادی

بستر اقتصادی هر کشوری برای مالیات‌ستانی به عنوان یکی از امور اصلی در اداره کشور، اهمیت دارد. به جنبه‌های مختلفی از تأثیر وضعیت اقتصادی کشور بر شکل‌گیری و اجرای خط‌مشی‌های مالیات بر ارزش افزوده اشاره شده است شامل: نگاه صرف خط‌مشی‌گذاران به جنبه درآمدزایی مالیات بر ارزش افزوده، تحریم‌های اقتصادی و دگرگون شدن فرآیند معاملات بین‌المللی، قطع ارتباط با نهادهای بین‌المللی، وابستگی به درآمدهای نفتی، حجم پایین سطح درآمد عمومی جامعه، پنهان بودن یا زیرزمینی بودن بخش عمده‌ای از معاملات، عملیات اقتصادی عمده بخش‌های شبه دولتی و دولتی بودن اقتصاد.

۴-۲-۴- شرایط اداری (بوروکراسی)

مسائل بوروکراسی کشور نه تنها در شکل‌گیری خط‌مشی‌های مالیاتی دخیل است بلکه اجرای آن را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد به گونه‌ای که ممکن است ایجاد کند که یک خط‌مشی اجرا شده، برای آن که در قالب نظام اداری موجود توان ادامه حیات داشته باشد بارها اصلاح شود. مشارکت‌کنندگان موارد زیر را به عنوان ویژگی‌های ساختار اداری و بوروکراسی ایران در سال‌های اخیر شناسایی کردند: ضعف زیر ساخت‌های اداری، نهادینه بودن اجرای سنتی امور، مقاومت در مدرنیزاسیون اداری، کارکنان غیر حرفه‌ای و با دانش پایین، سلسله مراتب بیش از حد در سازمان‌های مجری، نبود هماهنگی لازم بین دستگاه‌های مختلف مجری و ناظر بر مقررات مالیاتی.

جدول (۲) - محیط خط‌مشی‌گذاری

مقوله	مفهوم استخراج شده
شرایط سیاسی	پشتیبانی نکردن به موقع مقامات سیاسی در اخذ تصمیم
	توجه انتخابی به موضوع مالیات بر ارزش افزوده و تغییر اولویت‌ها
	اهمیت کاهش اعتراضات عملی به قانون
	تعارض‌های بین دیدگاه‌های سیاسی دولت‌های مختلف
شرایط اجتماعی و فرهنگی	فقدان اعتماد عمومی به نظام مالیاتی و اعتقاد عمومی منفی به مالیات
	کاهش تمایل عمومی به شفافیت رویدادهای مالی
	تعارض خط‌مشی مالیاتی با برخی هنجارهای نهادینه شده جامعه
	کاهش همکاری برای اجرای صحیح قوانین
	مقاومت نسبت به نظام مدرن مالیاتی
شرایط اقتصادی	پایین بودن سطح عمومی توانایی استفاده از ابزارهای نوین
	نگاه صرف درآمدی داشتن به مکانیزم مالیات بر ارزش افزوده
	تحریم‌های اقتصادی و دگرگون شدن فرآیند معاملات
	وابستگی به درآمدهای نفتی
	حجم پایین سطح درآمد عمومی جامعه
	پنهان بودن بخش عمده‌ای از معاملات
	عملیات اقتصادی عمده بخش‌های شبه دولتی
دولتی بودن اقتصاد	

ضعف زیر ساخت‌های اداری	شرایط اداری (بوروکراسی)
نهادینه بودن اجرای سنتی امور	
مقاومت در مدرنیزاسیون اداری	
کارکنان غیر حرفه‌ای و با دانش پایین	
سلسله مراتب بیش از حد در سازمان‌های مجری	
نبود هماهنگی لازم بین دستگاه‌های مختلف مجری و ناظر	

منبع: یافته‌های تحقیق

۴-۳- اجرای خط مشی مالیاتی ضعیف و علائم آن

بعد از شکل‌گیری خط مشی مالیاتی ضعیف، مجریان برخورد‌های متفاوتی هم به لحاظ ویژگی‌های ساختاری سازمان‌ها و هم به لحاظ ویژگی‌های خط مشی با آن خط مشی خواهند داشت. مصاحبه‌شوندگان اعتقاد داشتند خط مشی مالیاتی ضعیف این اجازه را به مجریان می‌دهد تا حسب مورد با اهمال، تفسیر به رأی، اجرای ناقص یا اجرای با اکراه نسبت به آن واکنش نشان دهند.

اهمال

اهمال، همان تعلل ورزیدن در انجام کارها و به تأخیر انداختن امور است. اهمال نوعی استراتژی است که ممکن است مجریان در برابر خط مشی مالیاتی ضعیف در پیش می‌گیرند. اهمال به اشکال مختلفی نمود پیدا می‌کند مانند تأخیر عمدی یا فراهم کردن شرایط برای تأخیر در اجرا، نادیده گرفتن خط مشی، واگذاری مسئولیت اجرا به دیگران (از سر باز کردن) و مسکوت گذاشتن اجرا.

تفسیر شخصی

یکی دیگر از اقدامات مقابله‌ای مجریان خط مشی اجرای خط مشی بر اساس تفسیر شخصی خود است به شرطی که خط مشی نیز این امکان را فراهم نموده باشد. در این صورت مجری بر اساس قضاوت شخصی یا بر اساس بهترین نظر موافق آن را اجرا می‌کند. یا از آن برای گرفتن امتیازاتی خاص در جهت تأمین منافع سایرین استفاده می‌کند و یا در مواردی در جهت ارتقای قدرت اطلاعاتی خود، خط مشی را به کار می‌گیرد.

اجرای ناقص

هنگامی که مجری به دلیل ابهامات زیاد خط مشی، توان اجرای کل آن را نمی‌یابد ممکن است صرفاً آن بخش از قانون یا مقررات را که درک کرده است اجرا کرده یا صرفاً بخشی از آن را اجرا کند که مقتضی بداند. برخی تصمیمات مالیاتی نیز شرایطی فراهم کرده است که اجرای ناقص آن گریز ناپذیر است مانند احراز کامل شرایط ماده ۱۷ قانون مالیات بر ارزش افزوده.

اجرا با اکراه

چنانچه مجری مجبور باشد که خط مشی مالیاتی ضعیف را اجرا کند احتمال دارد که آن را با اکراه انجام دهد. در این صورت اجرای خط مشی به همراه پیشنهاد تغییر خط مشی بوده یا اجرای خط مشی به همراه تبلیغات منفی از سوی خود مجری می‌باشد و یا مجری علی‌رغم اجرای خط مشی از پاسخگویی نسبت به آن طفره رفته رود.

در مصاحبه ای عنوان شد... مثلاً در تبصره ماده ۱۳ قانون باید مالیات و عوارض پرداخت شده توسط مسافران خارجی در مرز خروج به آن‌ها عودت داده شود ولی وقتی قابل اجرا نبود مدت‌ها آن را مسکوت گذاشته‌اند. یا حذف مالیات و عوارض کالاهای داخل زنجیره تولید و توزیع نفت و آب و برق که اجرای آن از سوی هر اداره کل به نوعی انجام می‌شود. یا مالیات و عوارض ارزش افزوده مناطق آزاد که تکلیفش روشن نیست. یا شرایط استرداد و پذیرش اعتبار مالیاتی که در برخورد با آن‌ها مجریان اقدامات متفاوتی انجام می‌دهند.

جدول (۳) - نحوه اجرای خط مشی مالیاتی ضعیف

مفهوم استخراج شده	مقوله
تأخیر عمدی	اهمال
فراهم کردن شرایط برای تأخیر در اجرا	
نادیده گرفتن خط مشی	
واگذاری مسئولیت اجرا به دیگران	
مسکوت گذاشتن	
اجرا بر اساس قضاوت شخصی	تفسیر شخصی
اجرا بر اساس بهترین نظر موافق	
تأمین منافع سایرین	
استفاده در جهت ارتقای قدرت اطلاعاتی	
اجرای بخش درک شده خط مشی	اجرای ناقص
اجرای گزینشی	

اجرای خط مشی به همراه پیشنهاد تغییر خط مشی	اجرا با اکراه
اجرای خط مشی به همراه تبلیغات منفی از سوی مجریان	
اجرای خط مشی و عدم پاسخگویی	

منبع: یافته‌های محقق

۴-۴- پیامد اجرای خط مشی ضعیف مالیات بر ارزش افزوده

هرچند سازمان امور مالیاتی کشور به موجب قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مسئول اجرای خط مشی‌های مالیاتی کشور است، لیکن اجرای کامل قانون مالیات بر ارزش افزوده نیازمند همکاری و هماهنگی بین تقریباً تمام نهادها و سازمان‌های کشور می‌باشد. از مهمترین عوامل اجرای صحیح قوانین، وجود قانونی منسجم، هدفمند و دربرگیرنده اصول مالیات‌ها عنوان شده است. در صورت رعایت نشدن این موارد و شکل‌گیری خط مشی مالیاتی ضعیف واکنش طبیعی اجرای آن خط مشی، شکست در اهداف قانونگذار، کاهش اعتماد جامعه به نظام مالیاتی و آسیب به فرآیندهای مالیات ستانی خواهد بود.

در مصاحبه‌ای عنوان شد: ...در صورت اجرای خط مشی مالیاتی هرچند برای آن اهداف عالی و روشنی در نظر گرفته شده باشد چنانچه در تنظیم آن به نحوه دستیابی به اهداف چاره اندیشی نشده باشد دستیابی به اهداف با شکست مواجه خواهد شد. در صورت اجرای خط مشی ضعیف در حوزه مالیات بر ارزش افزوده کاهش بهره‌وری چه در سطح سازمانی و چه در سطح جامعه و اقتصاد کشور، رکود اقتصادی، کاهش درآمدهای پایدار دولت و شهرداری‌ها و زیان به منافع مؤدیان را باید انتظار داشت.

یا در مصاحبه‌ای دیگر عنوان شد ...اعتماد جامعه به نظام مالیاتی یکی از عواملی است که نقش مهمی در موفقیت دستگاه‌های مجری در امور مالیاتی دارد. لیکن در صورت اجرای خط مشی مالیاتی ضعیف و مشاهده اشکالات آن از سوی جامعه مالیات‌دهندگان، به تدریج اعتماد به نظام مالیاتی کشور از دست می‌رود. در این صورت مؤدیان مالیاتی بی‌اعتمادی خود را با مشارکت و همکاری کمتر با سازمان امور مالیاتی، رفتارهای شکایت‌آمیز و عدم تمایل به انجام تکالیف قانونی نشان می‌دهند. آنان نه تنها خود در انجام تکالیف قانونی خود اهمال می‌ورزند بلکه با انجام تبلیغات منفی سایر مؤدیان را نیز تشویق به انجام ندادن وظایف و تکالیف پیش‌بینی شده در قانون می‌نمایند. به این ترتیب و با گذشت زمان باورها و نگرش‌هایی در ذهن مؤدیان شکل می‌گیرد و حتی ممکن است بی‌اعتمادی خود را نسبت به تمام

خط مشی‌های مالیاتی که از گذشته وجود داشته و چه در آینده شکل می‌گیرد گسترش دهند. بدیهی است رفع چنین نگرش‌هایی به زمان مدید و تلاش بسیار زیادی نیازمند است. همچنین گفته شد... اجرای قوانین و مقررات ضعیف مالیاتی موجب می‌شود تا زمینه برای فرار مالیاتی یا اجتناب از پرداخت مالیات یا اهمال در اجرای قانون برای مؤدیان خاطی و از طرفی زمینه تخلف مأموران مالیاتی به دلیل توانایی تفسیر و اجرای قانون بر اساس نظر خود فراهم شود. از آن جا که نظام مالیات بر ارزش افزوده برای تعدادی از سازمان‌های دیگر غیر از سازمان امور مالیاتی نیز وظایفی را مقرر کرده است وجود مقررات و قوانین پر ابهام به آنان نیز فرصت می‌دهد تا از اجرای مسئولیت‌های جدید که در دسر ساز هم هستند شانه خالی کنند. قوانین مالیاتی هر کشور از جمله مواردی هستند که معامله گران خارجی و به خصوص سرمایه‌گذاران خارجی برای سرمایه‌گذاری یا فعالیت اقتصادی در کشور به آن توجه می‌کنند. وجود قوانین مستحکم، منسجم و شفاف اطمینان لازم را برای سرمایه‌گذاری در کشور از حیث مقررات مالیاتی فراهم می‌کند.

جدول (۴) - پیامد اجرای خط مشی ضعیف مالیات بر ارزش افزوده

مفهوم استخراج شده	مقوله
کاهش بهره‌وری عمومی	شکست در اهداف قانون گذار
رکود اقتصادی	
کاهش درآمدهای پایدار	
زیان به منافع مؤدیان	
مشارکت کم فعالان اقتصادی	کاهش اعتماد جامعه به نظام مالیاتی
رفتار شکایت‌آمیز	
تمایل نداشتن به اجرای تکالیف قانونی	
تبلیغات منفی	
تغییر باورها و نگرش عمومی نسبت به مالیات	
تعمیم ایراد در نظام مالیات بر ارزش افزوده به تمام خط مشی‌های مالیاتی	

فرار و اجتناب از پرداخت مالیات	آسیب به فرآیندهای مالیات ستانی
اهمال در اجرای قانون از سوی مؤدیان	
شانه خالی کردن سازمان های مسئول، از اجرای تکلیف قانون	
تخریب وجهه قانون گذاری مالیاتی ایران در مجامع بین المللی	
ایجاد فرصت برای تخلف	

منبع: یافته های تحقیق

در کدگذاری محوری، یک مقوله مرحله کدگذاری باز انتخاب شده و آن را در مرکز فرآیندی که در حال بررسی است به عنوان پدیده مرکزی قرار می دهند و سپس دیگر مقوله ها به آن ربط داده می شود. در این پژوهش شکل گیری خط مشی مالیات بر ارزش افزوده به عنوان مقوله محوری در نظر گرفته می شود.

۴-۵- شکل گیری خط مشی ضعیف مالیات بر ارزش افزوده

از دیدگاه مصاحبه شونده گان ویژگی های یک خط مشی مالیات بر ارزش افزوده ضعیف عبارت است از: منسجم نبودن، مبهم بودن آن برای مجریان، فقدان مبانی نظری خط مشی و اهداف مبهم یا متناقض. در ادامه به تبیین هر یک از این ویژگی ها می پردازیم.

۴-۵-۱- نداشتن انسجام مناسب

نظام مالیات بر ارزش افزوده از جمله سیستم هایی است که برای اجرای کامل و با کمترین مشکل نیازمند قوانین منسجم و یکپارچه هم به شکل درونی و هم با سایر قوانین و مقررات است. در بین تصمیمات مالیات بر ارزش افزوده، تصمیماتی وجود دارد که انسجام لازم برای پیاده سازی واقعی نظام مالیات بر ارزش افزوده را مخدوش می کند. وجود انسجام در یک خط مشی به معنای نبود تناقض و تضاد با خط مشی های دیگر دولت و همچنین با سایر قوانین و مقررات یا سایر قوانین و مقررات مالیات بر ارزش افزوده باشد و بالعکس خط مشی مالیاتی منسجم موجب تقویت سایر خط مشی های مالیاتی و حتی سایر خط مشی های دولت می شود.

نداشتن انسجام درونی خط مشی و تعارض خط مشی با قانون مالیات بر ارزش افزوده

در مصاحبه ای عنوان شد... وقتی مقرر شد مالیات بر ارزش افزوده و عوارض آب، برق و گاز و فرآورده های نفتی فقط یک بار در انتهای زنجیره تولید و توزیع آن ها اخذ گردد. دولت در آیین نامه ای کلیه تکالیف را برای فرآورده های نفتی در نظر گرفت و از طرفی سازمان امور مالیاتی برای آب و برق تکالیف مربوط به درج مالیات و عوارض در صورتحساب را حذف کرد. یعنی برای یک قانون (که البته مغایر قانون مالیات

بر ارزش افزوده است) دو روش اجرای متفاوت وضع شده است.

تعارض با سایر قوانین و مقررات

در مصاحبه عنوان شد... مقرراتی وجود دارد که با سایر قوانین و مقررات در تعارض است و برخی از آن‌ها از طریق دیوان عدالت اداری رفع می‌شود. برخی نمی‌شود مثل دریافت مالیات و عوارض (در برخی موارد) از فعالان اقتصادی در مناطق آزاد و ویژه که باید معاف از پرداخت باشند.

تعارض خط‌مشی با قانون مالیات‌های مستقیم

در مصاحبه عنوان شد... رسیدگی بر اساس دستورالعمل‌های مالیات بر ارزش افزوده در مواردی منجر به تعیین درآمدهایی می‌شود که مغایر درآمدهای تعیین شده همان شخص در مالیات عملکرد است و بالعکس.

۴-۵-۲- مبهم بودن وظایف مجریان

در مصاحبه عنوان شد ... علاوه بر سازمان امور مالیاتی کشور، سازمان‌ها و نهادهای متفاوتی (مانند گمرک، وزارتخانه‌های مختلف، سازمان حسابرسی، سازمان مناطق آزاد و ...) و همچنین فعالان اقتصادی مختلف در اجرای صحیح قانون مشارکت دارند. اگر روابط و وظایف هر یک از افراد و سازمان‌های ذی ربط در قوانین و مقررات مشخص نشود و شرایط اجرای صحیح آن به درستی پیش‌بینی نشده باشد ضمن فراهم آوردن امکان تفاسیر مختلف، اجرای خط‌مشی نیز با شکست مواجه خواهد شد. مثلاً اگر وارد کننده‌ای نتواند کالای خود را به موقع ترخیص کند و از گمرک به انبارهای سازمان اموال تملیکی سپرده شود هنگام ترخیص کالا باید هم در گمرک مالیات و عوارض پرداخت کند و هم در سازمان اموال تملیکی. در این شرایط باز پس‌گیری مالیات و عوارض اضافه پرداخت شده برای مودی بسیار دشوار و طولانی خواهد بود.

۴-۵-۳- فقدان مبانی نظری مناسب

خط‌مشی مالیاتی به خصوص در حوزه مالیات بر ارزش افزوده به دلیل آن که نظام مالیاتی مدرن و به نسبت پیچیده‌ای است باید دارای پشتوانه نظری کامل، علمی و یکپارچه باشد به گونه‌ای که تصمیم‌گیرندگان در بررسی پیشنویس قانون ضمن متقاعد شدن، شناخت کافی نیز از موضوع پیدا کنند. علاوه بر این هر قانونی که در زمینه مالیات‌ها وضع می‌شود باید اصول مالیات‌ها (مانند عدالت، شفافیت، به صرفه بودن و سهولت) را مد نظر قرار بدهد.

به جای اصول مالیات‌ها بر نتایج دلخواه مقامات سیاسی تأکید دارد

در مصاحبه‌ای عنوان شد... قوانین مالیاتی باید تا حد امکان ساده باشد و عدالت را بین مودیان برقرار

کند ولی وقتی به ابهامات متعددی که در معاونت ارزش افزوده نسبت به برخی مقررات مالیات بر ارزش افزوده مطرح شده است نگاه می‌کنیم متوجه غیر شفاف بودن و پر ابهام بودن بسیاری می‌شویم. چرا باید اینطور باشد؟ وقتی منافع اشخاص متفاوت از طریق نمایندگان مجلس یا هیات دولت موجب تصویب قوانین و مقررات و یا مصوباتی می‌شود که همه جوانب را در نظر نمی‌گیرند انتظار بهتری می‌توان داشت؟

در مصاحبه عنوان شد: ... محدود بودن تعداد مودیان فراخوان شده فقط به دلیل آماده نبودن امکانات نیست بلکه تبعات آن مورد ملاحظه تصمیم‌گیرندگان قرار گرفته است...

پراکنده بودن نظرات

در مصاحبه عنوان شد: ... در ارتباط با تکلیف مودیان برای فعالیت در مناطق آزاد نظرهای متفاوتی از سوی مراجع مختلف ابراز شده ولی هنوز به تصمیم قاطع و مشخصی منجر نشده است...

فاقد پشتوانه تحقیق و پژوهشی معتبر

در مصاحبه عنوان شد: ... هرچند سال‌ها قبل از تصویب قانون مالیات بر ارزش افزوده دفتری به عنوان دفتر طرح مالیات بر ارزش افزوده وظیفه تحقیق و پژوهش در خصوص امکان اجرایی شدن نظام مالیات بر ارزش افزوده را بر عهده داشت ولی وجود این همه مشکلات در قوانین و مقررات ارزش افزوده بیانگر آن است که احتمالاً تحقیقات کافی و معتبری در این خصوص صورت نگرفته بود یا به نتایج تحقیقات آن اعتنا نشده است. در هر حال هم اکنون نیز حل مشکلات نظام مالیات بر ارزش افزوده نیازمند تحقیقات علمی و کاربردی معتبر می‌باشد...

فاقد پشتوانه بررسی سوابق موضوع

در یکی از مصاحبه‌ها گفته شد: ... هر تصمیم جدیدی که اتخاذ می‌شود باید بر اساس نتایج حاصل از اقدامات مشابه پیشین باشد.

۴-۵-۴- اهداف مبهم یا متناقض

یکی دیگر از ویژگی‌های خط مشی مالیاتی ضعیف، برآورده نکردن هدف یا اهداف اصلی از اجرای نظام مالیات بر ارزش افزوده است. در برخی تصمیمات مالیاتی مشاهده می‌شود که به شفافیت معاملات و مشخص شدن چرخه معاملات توجهی نشده یا حتی با آن مغایرت دارد. یا اصولاً هدف قانون‌گذار از چنین مصوبه‌ای مشخص نیست یا نتیجه خط مشی با آن چه که قانون‌گذار در تصور خود مجسم می‌کرده است تفاوت بسیار یافته است. هر چقدر اهداف خط مشی از شفافیت بیشتری برخوردار باشد

تعبیرها و تفسیرها از قانون راحت‌تر و به هم نزدیک‌تر خواهد بود.

به عنوان مثال در مصاحبه‌ای گفته شد: ... مثلاً دولت تصمیم می‌گیرد که زیان شرکت‌های برقی را از طرق مختلف جبران کند. به شرکت‌های برق می‌گوید آن را به حساب بدهکار دولت بگذارید بعد از چند سال اقدامی انجام نمی‌دهد. تکلیف را هم روشن نمی‌کند که آیا این بستانکار شدن به عنوان درآمد است؟ مالیات بر ارزش افزوده به آن تعلق می‌گیرد یا خیر؟ یارانه است؟ یا تصمیم می‌گیرند یارانه را از شمول قانون خارج کنند اما معلوم نیست چرا؟

جدول (۵) - خط‌مشی ضعیف مالیات بر ارزش افزوده

مفهوم استخراج شده	مقوله محوری
نداشتن انسجام و تعارض درونی	منسجم نبودن
تعارض با سایر خط‌مشی‌های عمومی	
تعارض خط‌مشی با قانون مالیات بر ارزش افزوده	
تعارض خط‌مشی با قانون مالیات‌های مستقیم	
ترسیم نشدن شفاف وظایف و روابط بین سازمان‌های مجری	مبهم بودن وظایف مجریان
نداشتن شرایط اجرای صحیح	
فراهم کردن امکان تفاسیر متعدد	
به جای اصول مالیات‌ها بر نتایج دلخواه مقامات سیاسی تأکید دارد	مبانی نظری
پراکنده بودن نظرات	
فاقد پشتوانه تحقیق و پژوهشی معتبر	
فاقد پشتوانه بررسی سوابق موضوع	
مغایرت با هدف قانون مالیات بر ارزش افزوده	اهداف مبهم یا متناقض
اهداف مبهم	
دارای چندین هدف متناقض یا تناقض با سایر قوانین	
اهداف انتزاعی	

منبع: یافته‌های تحقیق

۵- استخراج الگو

در مرحله کدگذاری گزینشی کدهای قبلی بررسی می‌گردد تا داده‌ها شناسایی و انتخاب شوند (نیومن ۱۳۹۴: ۴۵۵). تحلیل مفاهیم و مقوله‌های کدگذاری‌های باز و محوری نشان داد که:

- ایده خط‌مشی‌گذاران، دستورکار خط‌مشی، نحوه قانونی شدن خط‌مشی و نظارت بر شکل‌گیری

عوامل علی ایجاد خط مشی ضعیف مالیات بر ارزش افزوده اند.

- شرایط سیاسی، شرایط اقتصادی، شرایط اداری و شرایط اجتماعی و فرهنگی، محیط شکل گیری خط مشی مالیاتی اند که می توانند منجر به شکل گیری خط مشی مالیاتی ضعیف شوند.

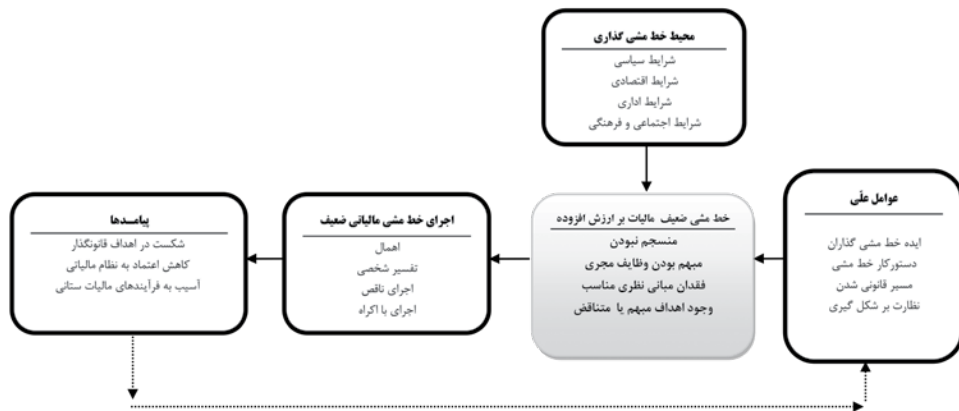
- اهمال، تفسیر شخصی، اجرای ناقص و اجرای با اکراه، علائم و نمودهایی از اجرای خط مشی مالیاتی ضعیف اند.

- مبهم بودن، منسجم نبودن و اهداف مبهم یا متناقض و فقدان مبانی نظری مناسب هر یک به تنهایی یا مجموع آنها، ویژگی های یک خط مشی ضعیف مالیاتی محسوب می شوند.

- شکست در اهداف قانونگذار، کاهش اعتماد به نظام مالیاتی و آسیب به فرآیندهای مالیات ستانی از پیامدهای اجرای خط مشی مالیاتی ضعیف هستند.

- نتایج حاصل از اجرای تصمیمات مالیاتی و ارزیابی آن در ایده خط مشی گذاران برای خط مشی های آتی یا اصلاح آن خط مشی مؤثر است. پیامدهای اجرای خط مشی های ضعیف می تواند بر عوامل علی مؤثر بوده و مرجع نظر خط مشی گذاران می باشد. یافته های پژوهش توسط الگوی زیر نمایش داده شده است.

شکل (۱) - الگوی آسیب شناسی شکل گیری خط مشی های مالیات بر ارزش افزوده



۶- اعتبار سنجی الگوی پژوهش

تعیین این که آیا الگوی به دست آمده از سوی محقق معقول و معنادار است و بیان کننده مجموع نظرات و توالی درست مفاهیم و مقوله هاست موضوع مهمی در پژوهش است. بنابراین برای اعتبار سنجی بعد از استخراج مفاهیم و مقوله ها گزارش تحقیق به سه نفر از مشارکت کنندگان و دو نفر از اساتید دانشگاه ارائه شد. در مواردی آنها پیشنهادهای مطرح کردند که در ترسیم الگوی نهایی اعمال شده است.

۷- نتیجه‌گیری

اقتصاددانان تاکنون موضوع مالیات‌ستانی را از دیدگاه خود و در رابطه با رشته‌ای که در آن تخصص دارند بررسی کرده‌اند (پرد، ۲۰۱۳). اما خط‌مشی‌گذاری مالیاتی صرفاً به قانونی کردن ایده‌ها و یا تصویب نرخ‌های جدید یا افزایش و کاهش پایه مالیاتی محدود نمی‌شود و در این مسیر چالش‌های زیادی وجود دارد (میکسل، ۲۰۱۵: ۴۹). درحقیقت به نظر می‌رسد اشخاصی که در فرآیند خط‌مشی‌گذاری مالیاتی نقش دارند از جمله مقامات سیاسی و اقتصاددانان، شامل افراد متعددی‌اند که در اتاق‌های جداگانه و درحالی که ارتباط درستی با یکدیگر ندارند، فعالیت می‌کنند (پرد، ۲۰۱۳). همان‌گونه که فریدمن (۲۰۱۵: ۲۶) اشاره می‌کند، خط‌مشی‌گذاران باید با بحث و تبادل نظر و بهره‌گیری از نظرات مختلف، خط‌مشی‌های مالیاتی بهینه‌ای را وضع کنند. بنابراین آنان نیازمند نوعی ساختار سازمانی یا محیطی مستقل هستند که امکان مصاحبه با افراد و آگاهی از نظرات متخصصان گوناگون و دریافت مشاوره و همچنین بهره‌مندی از طیف گسترده‌ای از سایر دیدگاه‌ها را تسهیل کند.

اتفاق نظر وجود دارد که مسائل مالیات بر ارزش افزوده کشور از جمله موضوعاتی است که به دلیل نوین بودن نظام مالیات بر ارزش افزوده و از طرفی تأثیری که بر روابط اقتصادی فی مابین افراد جامعه می‌گذارد، بسیار حساس و تخصصی است. در طی این پژوهش عوامل اصلی بروز آسیب‌ها در نظام مالیات بر ارزش افزوده ایران در چهار بخش ایده‌های خط‌مشی‌گذاران، فرآیند قرار گرفتن مسائل در دستور کار، مسیر قانونی شدن یا اعتبار تصمیمات اتخاذ شده و نحوه نظارت بر شکل‌گیری خط‌مشی‌ها مشاهده شد که بیانگر بی‌توجهی برخی تصمیم‌گیرندگان نسبت به پی‌آمدهای تصمیمات‌شان است. از طرفی اگر تصمیمی به ایجاد خط‌مشی ضعیف منجر شود، مجریان را برای اجرای خط‌مشی با مسائل جدی مواجه می‌کند.

از آن‌جا که برای خط‌مشی‌گذاری مالیاتی بهره‌مندی از نظرات کارشناسی شده که ماحصل پژوهش دقیق درباره جنبه‌های مختلف اجرای خط‌مشی و سیاست‌های مالیاتی و در راستای برقراری هرچه بهتر اصول مالیات‌ها باشد گریزناپذیر عنوان شده است، بنابر این ایجاد واحدی تخصصی و کاملاً مستقل، به عنوان اندیشکده و پژوهشکده‌ای پویا متشکل از کارشناسان و صاحب‌نظران در حوزه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی و همچنین جامعه‌شناسان و علمای دینی، احتمالاً می‌تواند در پیش‌بینی تبعات پیشنهادات و ایده‌های مطرح شده درباره مالیات بر ارزش افزوده، نقش کلیدی ایفاء کند. ایده آفرینی از دیگر کارکردهای چنین پژوهشکده‌ای خواهد بود. به هر حال صرف‌تشکیل یک مرکز تخصصی، مشکلی

را حل نخواهد کرد مگر آن که در افزایش سرعت تصمیم‌گیری و اطمینان بخشی به تصمیم‌گیرندگان برای اتخاذ تصمیماتی که حداکثر منافع ملی در آن دیده شده‌اند، تأثیر قابل ملاحظه‌ای داشته باشد و از سوی دیگر ساز و کاری اندیشیده شود که خط مشی‌گذاران را ملزم به بهره‌گیری از توصیه‌های آن واحد تخصصی نماید. همانگونه که در گزارش شورای علوم و فناوری وزارت تجارت بریتانیا اذعان شده، تعامل مناسب خط مشی‌گذاران با پژوهشگران به نوآوری و مهارت که از نیازهای خط مشی‌گذاری مالیاتی می‌باشد منجر خواهد شد و از طرف دیگر کاهش تعامل بین آنان موجب رفتار غیر حرفه‌ای خط مشی‌گذاران، شکست در درک منافع بالقوه و نگرشی منفی به یکدیگر و از هر دو سو (هم پژوهشگران و هم خط مشی‌گذاران) خواهد بود (شورای علوم و فناوری بریتانیا، ۲۰۰۸: ۳).

نکته دیگر آن که وظیفه اصلی سازمان امور مالیاتی کشور اجرای دقیق قوانین مالیاتی است و می‌بایست پاسخگوی پیامدهای اجرای خط مشی‌های ضعیفی باشد که وضع آن‌ها در مواردی خارج از حیطه اختیاراتش بوده است. بروز چنین چالشی ناشی از آن می‌باشد که احتمالاً ملاحظات اجرایی سازمان امور مالیاتی در اخذ برخی تصمیمات مالیاتی دخالت داده نشده است. بنابر این به دلیل ویژگی‌های منحصر به فرد مقررات مالیاتی و به ویژه مالیات بر ارزش افزوده، پیشنهاد می‌شود قبل از هرگونه تصمیم‌گیری مالیاتی، قابلیت اجرای مطلوب آن توسط مجریان اصلی آن تصمیم به شکل رسمی تأیید شود.

فهرست منابع

۱. نیومن، ل. (۱۳۹۳). روش‌های پژوهش اجتماعی: رویکردهای کمی و کیفی. (دکتر ابوالحسن فقیهی و دکتر عسل آغاز، مترجمان). تهران. انتشارات ترمه. چاپ دوم.
۲. نیومن، ل. (۱۳۹۴). روش‌های پژوهش اجتماعی: رویکردهای کمی و کیفی (دکتر ابوالحسن فقیهی و دکتر عسل آغاز، مترجمان). تهران. انتشارات ترمه. جلد دوم، چاپ اول.
3. Baker, C. , Bejarano, J., Evans, R.W ., Judd, KL., & Phillips, KL. (2014). A Big Data Approach to Optimal Sales Taxation. Cambridge, Mass. National Bureau of Economic Research.
4. Bird, R. M.B. (2013). Taxation and Development: What Have We Learned from Fifty Years of Research?, IDS (Institute of Development Studies), Working Paper 427.
5. Bird, R. M.B. (2014). Taxation and Development: The Weakest Link? Richard M. Bird and Jorge Martinez-Vazquez (eds), Foreign Advice and Tax Policy in Developing Countries, 103-145, Edward Elgar Publishing Limited.
6. Bird, R. M.B. (2015). Improving Tax Administration in Developing Countries. Journal of Tax Administration 1(1), 23-46.
7. Bourdeaux, C. (2010). A Review of State Tax Reform Efforts. Fiscal Research Center Report .No 216. Atlanta: Andrew Young School of Policy Studies. Georgia State University.
8. Council for Science and Technology (2008). How Academia and Government can Work together, October, page 3.
9. Creswell, J. W. (2014). Research Design: Qualitative, Quantitative, and Mixed Methods Approaches. (4nd ed.). Thousand Oaks, CA: Sage Publications, Inc.
10. Freedman, J. (2015). Managing Tax Complexity: the Institutional Framework for Tax Policy-making and Oversight. Oxford University Center for Business Taxation. Working paper. WP 15/08.
11. Gamage, D., & Shanske, D. (2011). Three Essays on Tax Salience: Market Salience and Political salience. Tax Law Review 65, 19–98.
12. Goldstein, J. (1993). Ideas, Interests, and American Trade Policy. Ithaca, NY: Cornell Univ. Press.
13. Hall, P. (1989). The Political Power of Economic Ideas. Princeton: Princeton

Univ. Press.

14. Hettich, W., & Winer, S. L. (1999). *Democratic Choice and Taxation: A Theoretical and Empirical Analysis*. Cambridge, UK: Cambridge University Press.
15. Holcombe, R. G. (1998). Tax Policy from A Public Choice Perspective. *National Tax Journal*. (2), 359-371.
16. Kingdon, J. W. (2014). *Agendas, Alternatives, and Public Policies*. (2nd ed.). Pearson Education Limited.
17. Knauer, N. J., (2014). Critical Tax Policy: A Pathway to Reform?. *Northwestern Journal of Law & Social Policy*. 9(2), 206-263.
18. Krause, G.A. Lewis D.E., & Douglas, J.W. (2013). Politics can Limit Policy Opportunism in Fiscal Institutions: Evidence from Official General Fund Revenue Forecasts in the American States. *Journal of Policy Analysis and Management*. 32(2), 271-295.
19. Marron, D. B. (2011). Cutting Tax Preferences is Key to Tax Reform and Deficit Reduction, Testimony before the Senate Committee on the Budget .U.S. Senate.
20. Mason, J. (2002). *Qualitative Researching*. (2nd ed.). London: Sage Publications.
21. Mikesell, J. L. (2015). Changing State Revenue Strategies. M. M. Rubin, & K. G. Willoughby (Eds.). *Sustaining the States: The Fiscal Viability of American State Governments*. (pp. 29-51, Boca Raton, FL: CRC Press.
22. Moore, M. (2007). How Does Taxation Affect the Quality of Governance?, Institute of Development Studies at the University (IDS) of Sussex Brighton, Working Paper 280.
23. Peters, B.G. (2006). *Handbook of Public Policy*, B. Guy Peters and Jon Pierre, (eds), Tax Policy, 281-292, SAGE Publications Ltd.
24. Profeta, P. & Scabrosetti, S. (2010). *The Political Economy of Taxation. Lessons from Developing Countries*. Edward Elgar.
25. Quintieri, B. & Rosati, C. (1992). Demographic Changes, Public Saving and Tax Policies. M. Marrelli (Eds.). *Design and Reform of Taxation Policy*. Kluwer.
26. Redford, E. S. (1969). *Democracy in the Administrative State*. New York: Oxford University Press.
27. Schenk, A. (1999). *Radical Tax Reform for the 21st Century: The Role for a Con-*

- sumption Tax. *Chapman Law Review*. Vol. 2: 133-156.
28. Sheffrin, S. M. (2013). *Tax Fairness and Folk Justice*. New York: Cambridge University Press.
29. Sjoquist, D. L., Wallace, S., & Winters, J. (2007). *Selected Fiscal and Economic Implications of Aging*, Atlanta: Andrew Young School of Policy Studies. Georgia State University.
30. Solomon, E. (2014). The Process for Making Tax Policy in the United States: A System Full of Friction. *Tax Lawyer* 67(3), 547-558.
31. Steinmo, S. (1989). Political Institutions and Tax Policy in the United States, Sweden and Britain. *World Politics*. 41 (4), 500-535.
32. Steinmo, S. (1993). *Taxation and Democracy: Swedish, British and American Approaches to Financing the Modern State*. New Haven: Yale University Press.
33. Steinmo, S. (2003). The Evolution of Policy Ideas: Tax Policy in the 20th Century. *British Journal of Politics and International Relations*. 5(2), 206–236.
34. Strauss, A. & Corbin, J. (1998). *Basics of Qualitative Research: Techniques and Procedures for Developing Grounded Theory*, Thousand Oaks: Sage Publications.